

کوسه‌لر: پیشینه طایفه‌های ایرانی در قلمرو عثمانی^۱

عطاءالله حسنی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۰ (صفحه ۱۰۳-۱۱۴)

چکیده: مرزهای سیاسی پوشاننده حقایق‌اند و وحدت جغرافیایی و انسانی را در چهره کثرتی اختلاف‌برانگیز می‌نمایانند. افراد و گروه‌ها و جمعیت‌های انسانی کهن‌درختانی را مانند که اگرچه در ظاهر منفرد، در واقع ریشه در ریشه، پیوستگی و یگانگی دارند. جمعیت‌های عشایری از چنین حالی برخوردارند؛ یگانه ولی پراکنده‌اند. «روزگار وصل» جستن، برای یکی از طوایف ایل شاهسون بغدادی به نام کوسه‌لر (Küselər/ Köselər)، هدف این مقاله بود و نویسنده، با ابتناء بر روش بینارشته‌ای تاریخی و مردم‌شناسی، بر آن شد که پاسخی برای کجایی بودن و کجایی شدن آن بیابد و به مطالعه فرایندی این شدن پردازد. نتیجه تحقیق بیانگر این است که برای جستجوی ریشه و فرایند شکل‌گیری این طایفه و هویت‌یابی آن باید بازه مکانی ترکستان تا بالکان و بازه زمانی چندصدساله‌ای را ملحوظ نظر داشت.

کلیدواژه‌ها: ایل شاهسون بغدادی، کوسه‌لر، ایران، عثمانی، مهاجرت.

۱. این مقاله با اندک حذف و اضافه، برگرفته از کتاب *تبارشناسی تاریخی اتحادیه ایل شاهسون بغدادی* تألیف نویسنده است که در آستانه انتشار، از سوی انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی است. - عضو هیئت علمی بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهشتی (a_hassani5@yahoo.com)

۱ ورود ترکان به آسیای صغیر و شامات

در دوران معتصم (۲۲۷-۲۱۸ ق)، ترکان موقعیت چشمگیری در دستگاه خلافت عباسی به دست آوردند. سخن خلیفه، مبنی بر اینکه «خدمت را چون ترک نیست»^۱، حاکی از عملکرد مطلوب ترکان و اعتماد بسیار وی به ایشان بوده است. در زمان این خلیفه، سردارانی مانند اشناس ترک و ایتاخ ترک پیروزی‌هایی در نواحی آناتولی و روم و شام به دست آوردند. این پیروزی‌ها باعث شد که ترکان در این مناطق حضور ملموسی پیدا کنند، اما ورود منظم ترکان به آسیای صغیر و شامات به تدریج، از سده پنجم هجری و با حضور سلجوقیان آغاز شد و با موج‌های بعدی توسعه پیدا کرد. محمدفاتح کریشچی اوغلو می‌نویسد:

از پیشگامان آغوز، دو شعبه در سوریه جا گرفتند. شعبه نخست در مناطق حلب، حماه، حمص و شام اطراق کردند. اینان بیشتر شامل اویماق‌های بیات، افشار، بیگدلی، و دوگر می‌شدند. شعبه دیگر ترکانی بودند که در سمت لاذقیه (Lazkiye) و طرابلس شام (Trablusşam)، در مناطق غربی کوه‌های انصاریه، مستقر شدند (Öztürkmen ve diğerleri 2011: No. 14, s. 6, in Kirişcioğlu 1995: 2.3).

۲ اتحادیه ایل شاهسون بغدادی

ایل شاهسون بغدادی اتحادیه‌ای ایلی و نام جماعتی از ترکان و ترک‌شدگان است که در مناطق مرکزی ایران، با پراکندگی جغرافیایی گسترده، اسکان یافته‌اند. این ایل، براساس آخرین برآورد، دارای دو شعبه لک^۲ و آرخلو^۳، ۲۹ طایفه، و دربردارنده ۲۲۰ تیره و چندصد زیر تیره بوده است. در شرایط کنونی، به دلیل اسکان، فاقد ساختار سیاسی و اقتصاد ایلی و وحدت و انسجام جمعیتی در سطح ایل است. اما طایفه‌ها و تیره‌ها و زیر تیره‌های ایل در گستره جغرافیایی وسیعی از ایران زندگی می‌کنند و با وجود شهرنشینی، ارتباطات

۱. خواجه نظام‌الملک درباره موقعیت ترکان در دستگاه معتصم می‌نویسد: «... از خلفای بنی عباس هیچ کس را آن سیاست و هیبت و آلت و عدت نبود که معتصم را بود و چندان بنده ترک که او داشت کس نداشت. گویند که هفتاد هزار غلام ترک داشت و بسیار کس را از غلامان برکشیده بود و به امیری رسانیده و پیوسته گفتی که خدمت را چون ترک نیست» (→ خواجه نظام‌الملک طوسی ۱۳۶۴: ۶۶).

2. Lek

3. Arıxlı

درون تیره‌ای و در مواردی، درون طایفه‌ای را حفظ کرده‌اند. نکته مهم این است که این ایل از ترکیب طوایفی به وجود آمده که هریک از آنها سابقه قومی و تاریخی، فرهنگی، مذهبی، و زبانی مستقلی داشته است. طوایف وابسته ایل، به رغم زبان واحد که ترکی است، به دلیل منشأ تباری متفاوت و موقعیت جغرافیایی خاص، لهجه‌های زبانی گوناگونی دارند.

هسته اصلی ایل شاهسون بغدادی - لک و آرخلو - در سال ۱۱۴۵ ق، به دست نادر افشار که بعداً پادشاه شد، از نواحی کرکوک به خراسان کوچانده شد. متعاقب کشته شدن نادر این جماعت به فارس رفتند و پس از مدتی آقامحمدخان قاجار آنان را به نواحی ساوه و مناطق مجاور کوچاند.

پیشینه تعدادی از طوایف ایل شاهسون بغدادی را می‌توان در جغرافیای تاریخی مناطق شمال عراق امروزی، سوریه و ترکیه ردیابی کرد. کوسه‌لر از جمله این طوایف است که در این مقاله به پیوند تاریخی آن با مناطقی که روزگاری در قلمرو عثمانیان بود، پرداخته می‌شود. بالکان، ترکیه امروزی، نواحی شمال سوریه و مناطق شمالی عراق امروزی از جمله این مناطق است. نجم‌الدین اسین محدوده منطقه استقرار ترکان در منطقه اخیر را چنین توصیف می‌کند: شهر تلعفر مرز شمالی منطقه ترک‌نشین عراق است. این خط از تلعفر به کرکوک کشیده می‌شود که مرکز و بزرگ‌ترین منطقه تجمع ترکان است و در آنجا وسعت می‌گیرد. این مسیر، با دربرگرفتن شعبه بیات از ترکان اوغوز، تا شهر بدره در یکصد و بیست کیلومتری شرق بغداد و سپس تا ناحیه تورساق امتداد می‌یابد. این مسیر به حدود مرزی قدیم ایران و امپراتوری عثمانی نزدیک است (Esin: 1125).

۳ کوسه‌لر

کوسه‌لر از طوایف اصلی ایل شاهسون بغدادی است و در تقسیمات کنونی ایل، یکی از طایفه‌های شعبه «لک» محسوب می‌شود. هم کوسه‌لر و هم لک از جماعات عشایری‌اند که می‌توان آنها را در مناطق آناتولی و منطقه کرکوک و حلب سوریه ردیابی کرد. آقاجان بی‌اوغلو، ضمن تعیین موقعیت جماعات کوسه‌لر در آناتولی، احتمال می‌دهد که آنان ریشه ترکستانی داشته باشند. شاهد او وجود جماعتی به نام «کوسه‌لر» در ترکستان است (Beyoğlu 2000: 276). نظر به وجود بایاتی زیر، که در میان طایفه کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی رایج است، بعید نیست که فرضیه تعلق جماعت کوسه‌لر به منطقه ترکستان، در

گذشته‌های دور تاریخی، صحیح باشد. در این بایاتی، که در وصف زیبارویان تووایی است، از استعاره «آتش فروزان» در بودباش تووایی‌ها استفاده شده است، تا تصویری ذهنی از گلرخان تووایی پدید آورد، و سراینده آرزوی مهمان‌شدن نزد ایشان را بر زبان می‌راند:

Bir od yanér Tuvadha بیر اود یانئر تووادا

Esmer çoxdu uvadha اسمر چوخ‌دو اووادا

Bir gice qunağ ulay بیر گیجه قوناغ اولای

Esmer ulan uvadha اسمر اولان اووادا

(حسنی ۱۳۸۱: ۴۹-۵۰)

تووا سرزمینی است با اکثریت جمعیت عشایری که قومیت مغولی و زبان ترکی دارند (McMullen 2017: 2). این سرزمین در شمال مغولستان واقع است که از قرن هفدهم مورد توجه و تهاجم روسیه قرار گرفت و در قرن بیستم، زیر سلطه آن کشور رفت. تووا اکنون از جمهوری‌های فدرال روسیه است و بیشتر جمعیت آن ریشه قومی تووایی دارند (Forsyth 1998: 123-125, 226-228, 280-282; McMullen 2017: 3-6).

اینکه جماعت کوسه‌لر در چه زمان، چگونه و از کدام مسیر ترکستان را ترک کرده و وارد آناتولی شده‌اند، بر نویسنده معلوم نیست. از آنجا که تا زمان نادر، در منابع تاریخی اشاره‌ای به حضور ایشان در ایران به چشم نمی‌خورد، به نظر می‌رسد یا به دلیل ناشناسی در ایران معروفیتی پیدا نکرده‌اند و یا از مسیری جز ایران وارد سرزمین آناتولی شده‌اند و در آنجا، بنا بر ضرورت شرایط تاریخی، به مناطق گوناگونی راه یافته و جماعتی از ایشان به طایفه لک پیوسته و ذیل نام عمومی بیات‌ها، به‌دستور نادر، به خراسان کوچانیده شده باشند.

طبق اسناد دولتی عثمانی، سابقه حضور کوسه‌لر در آناتولی به سده شانزدهم میلادی بازمی‌گردد. در تعدادی از منابع و اسناد آرشیوی قرن شانزدهم، از «کوسه‌لر» به‌منزله جماعت عشایری نام برده شده است و در برخی از آنها نیز، به‌منزله مکان سکونت. قدیم‌ترین جایی که نام جماعت کوسه‌لر در آن قید شده دفتر تحریر اسکی ایل است که به عصر سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸ ق / ۱۴۸۱-۱۵۱۲ م) بازمی‌گردد. در این دفتر، «جماعت کوسه‌لر» تابع اسکی ایل، آت‌چکن، و خاصه شهزاده معرفی شده است (Şahin 2006: 194; Quoting from: BA, Eskiil). (TD, Nr. 32, S. 10 «خاص» یا «خاصه» به درآمد سالیانه بیش از یک‌هزار آنچه اطلاق و مشمول سنجاق بیگی‌ها، بیگلربیگی‌ها، وزراء، حکم‌داران و زنان حکم‌داران می‌شد (Sertoglu 1986: 139). این امتیاز، در زمان سلطان بایزید دوم، شامل حال شاهزادگان نیز شد

(ŞAHİN 2006: 194). آت‌چکن‌ها، که از نام فارسی «اسب‌کشان»^۱ هم در اسناد عثمانی به جای آن استفاده می‌شده، جماعتی بودند که در اواخر قرن پانزدهم میلادی در سه ناحیه اداری در آناتولی مرکزی، یعنی قضای اسکی‌ایل (در غرب توزگؤلو) و بایبورت (در شرق توزگؤلو) و قضای تورقوت (در شرق آقشهر)، گسترده شده بودند (Beldiceanu-Steinherr 1991: 48-49). مورد دیگر به زمان سلطان سلیم و اوایل حکومت سلطان سلیمان مربوط می‌شود که «کوسه‌لر» به نام روستایی در ینی‌شهر اطلاق شده است (367 Numaralı Muhasebe-I Vilayet-I Rum-ili Defteri ile) (Ankara: Devlet Arşivleri 114, 390 ve 101 Numaralı İcmal Defterleri (920-937) 1514-1530 I. (Genel Müdürlüğü, 2007), S. 185

از گستردگی وسیع جغرافیایی جماعات عشایری کوسه‌لر پیداست که جمعیت فراوانی داشته‌اند و این خود نشانه دیرینگی شکل‌گیری آنهاست. آقاجان بی‌اوغلو، در جایی، کوسه‌لر را قبیله‌ای معرفی می‌کند که دارای چهار تیره به نام‌های بگلر^۲، قاراگزلر^۳، باشی‌لار^۴، و چاقه‌لر^۵ است (Beyoğlu, S. 440). جودت تورکای کوسه‌لر را با ترکیبات متفاوتی مانند کوسه‌لی، کوسه‌لی‌اوغلو، کوسه‌لر اوباسی، و کوسه‌اوغلو از عشیره‌ها، جماعات، و طوایف ترکمان کوچ‌نشین مناطق زیر معرفی کرده است (Türkay 1979: 11, 544, 545):

Mihalç	میخالچ	Alaiye	علائییه
Gönen ve Harmancık Kazaları (Hudavendigâr Sancağı)	قضاهای گوئن و خارمانجیق واقع در سنجاق خداوندگار	Kars-I Meraş	قارص مرعش
Yüreğir Kazası (Adana Sancağı)	قضای یوره‌غیر در سنجاق آدانا	Adana	آدانا
Radovişte Kazası (Köstendil Sancağı)	قضای رادوویشته در سنجاق کؤستندیل	Tarsus	طرسوس
Avunya Kazası (Bıgâ Sancağı)	قضای آوونیا در سنجاق بیگا	Sis	سیس
Silifke Kazası (İçel Sancağı)	قضای سیلیفکه در سنجاق ایچ‌ایل	İçel	ایچ‌ایل
Ordu Kazası (Karahisar-I Şarki)	قضای اردو در سنجاق قاراحصار شرقی	Bozok	بوزاوخ
Selmanlu-I Sağır Kazası (Bozok Sancağı)	قضای سلمانلوی صغیر در سنجاق	Hamid	حمید

1. esbkeşan (atçeken)

2. Begler

3. Garakerrekler

4. Başılar

5. Çageler

	بوزاوخ		
Filibe	فیلیبه	Meraş	مرعش
Filorine ve Gümülcine Kazaları (Paşa Sancağı)	قضاهای فیلورینه و گومولجینه در سنجاق پاشا	Saruhan	صاروخان
Ermenek Kazası (İçel Sancağı)	قضای ارمنگ در سنجاق ایچ‌ایل	Karahisar-I Şarki	قاراحصار شرقی
Balikesir Kazası (Karası Sancağı)	قضای بالیکسیر در سنجاق قاراسی	Paşa	پاشا
Sultanhisar Kazası (Aydın Sancağı)	قضای سلطان‌حصاری در سنجاق آیدین	Konya	قونیه
Manavgat Kazası (Alaiye Sancağı)	قضای ماناوقات در سنجاق علائیه	Karaman	قارامان
İncesu Kazası (Niğde Sancağı)	قضای اینجه‌سو در سنجاق نیغده	Aydın	آیدین
Gördük Kazası (Saruhan Sancağı)	قضای گوردوک در سنجاق صاروخان	Ankara	آنکارا
İznikmid Kazası (Kocaeli Sancağı)	قضای ایزنیکمید در سنجاق قوجائلی	Teke ve Sığla Sancakları	سنجاق‌های تکه و سیغلا
Dağardı Kazası (Kütahya Sancağı)	قضای داغاردی در سنجاق کوتاهیه	Turgud Kazası (Konya Sancağı)	قضای تورفود در سنجاق قونیه
Kemah Kazası (Erzurum Sancağı)	قضای کماخ در سنجاق ارزروم	Ziilkadriye Kazası (Meraş Eyaleti)	قضای ذوالقدریه در ایالت مرعش
		Bursa	بورسا

علاوه بر این گزارش، دیگر اسناد آرشیوی از حضور جماعت کوسه‌لر در ولایات آنکارا، قارامان، و ذوالقدریه خبر داده‌اند و وجود آنها را در ناحیه باناز و قضای کولای کوتاهیه، آجی کویو و قیزیلجا قیشلای آنکارا، اسب‌کشان قونیه، قضای قاراتاش ایچ‌ایل، قضای قوچ‌حصار آقسرای، قضای قارص مرعش، و لویای صاروخان گزارش کرده‌اند. همین‌طور، این اسناد روستایی به نام کوسه‌لر را معرفی می‌کنند که ساکنان آن از جماعت حاجی بهاء‌الدینلو بوده‌اند (Sakin 2010: 164, 234, 235, 353, 378, 402, 407, 416, 497. Quoting from TD: 438, S.42, 68, 342, 404,)

(ve TD: 387, S.231, 244, 292, 145, ve TD: 998, S.503, ve TD: 166, S.338, 340, ve TD:438, S.88

این روستا تا قرن هجدهم پایرجا بوده است. یوسف خلج‌اوغلو، در گزارش اسکان عشایر

در سال ۱۱۲۰ ق/ ۱۷۰۸ م، به وجود همین روستا اشاره دارد که از توابع حوزه گولنار^۱ در استان مرسین^۲ ترکیه بوده و در اصل «موطن جماعت حاجی بهاء‌الدینلو (با نام شیخ‌لو و فقیه‌لو نیز شناخته می‌شده)» به‌شمار می‌رفته است (84: 1991 HALAÇOĞLU). فاروق سومر می‌نویسد که، در قرن نوزدهم، اوبماق کوسه‌لر در ناحیه نازیللی^۳ ولایت آیدین زندگی می‌کرده است (SÜMER: 352). در روستای سیلله قونیه نیز، مطابق با اسناد تاریخی، در سال ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱-۱۸۴۲ م مزرعه‌هایی به نام کوسه‌لر وجود داشته است (SARIKÖSE 2009: 124, 570. Quoting from: BOA, (EV. d., No. 11653; BOA, Ev. d., No. 11657).

از اسناد عثمانی متعلق به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیز پیداست که جماعتی از کوسه‌لر در ولایت طرابزون در شهر تیره‌بلوی گیره‌سون حضور داشته‌اند (YÜKSEL 2002: 30, 172). سهم جنگجویان کوسه‌لر در نبرد استقلال هم فراموش نشده و آی‌خان یوکسل از علی‌اوغلو حسین، ملقب به ولی، و حسن‌اوغلو شاکر، ملقب به قاراحسن، از اهالی تیره‌بلوی گیره‌سون در ساحل دریای سیاه، با عنوان «شهدای حرب استقلال» در تاریخ ۲۶ و ۲۸ اوت [اگوستوس] ۱۹۲۱ نام برده است (ibid: 135-136). ایلکر بیگیت آنتالیا را آخرین بودباش جماعت کوسه‌لر می‌داند و می‌نویسد جماعت کوچ‌نشین کوسه‌لر، که زمستان را به قارادوت^۴ و تابستان را به باش‌یایلا^۵ قشلاق و ییلاق می‌کرده‌اند، در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی، بنا بر مندرجات «دفتر تمتعات» (Temettuat Defteri No: 10590) در عصر اصلاحات معروف به تنظیمات، در روستای کوسه‌لر یا قارادوت از قضای ماناوقات^۶ به‌سر می‌برده‌اند. جمعیت انبوهی از این جماعت به تدریج زندگی کوچ‌نشینی در قارادوت را ترک و به شهر آنتالیا جابه‌جا شدند و در محلات قیرجامعی^۷، آلتینووا^۸، غازیلر^۹، و وارساق^{۱۰} اسکان یافتند. بازماندگان ایشان هنوز هم در همان محله‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند (YİĞİT 2018: 1026, 1029-1030).

پخش شدن جمعیت‌های عشایری در مناطق گوناگون جغرافیایی، که چه بسا ناشی از اعمال سیاست‌های جابه‌جایی یا اسکان عشایر به‌دستور دولت و یا به‌دلیل جُستن «یورت» یا

1. Gülnar

2. Mersin

3. Nazilli

4. Karadut

5. Başyayla

6. Manavgat Kazası

7. Kırcaamii

8. Altınova

9. Gaziler

10. Varsak

بودباش / چراگاه مطلوب بود، باعث ورود گروه‌های عشایری به اتحادیه‌های گوناگون ایلی و یا اسکان دائمی در مناطق پراکنده می‌شد و گاه حتی دگرگونی هویتی ایشان را، از نظر شیوه زندگی و مذهب و زبان و فرهنگ، در پی داشت. این وضعیت برای طوایف کوسه‌لر به کرات پیش آمده؛ چنان‌که حضور جمعیت‌هایی از طوایف مورد اشاره درون جماعات چالالار^۱، اوسسالار^۲، جلله‌که‌لر^۳، قوشچولار^۴ و نیز به صورت شعبه‌ای از «قبیله دلیر» در آناتولی گزارش شده است (Beyoğlu: 241, 275, 337, 432, 500). اما از سوی دیگر در ایران، پس از چندصد سال، هم دلیر و هم کوسه‌لر درون اتحادیه ایلی شاهسون بغدادی قرار گرفته و دو طایفه مستقل از همدیگر را تشکیل داده‌اند.

در مهاجرت‌های دوران عثمانی، گروهی از جماعت کوسه‌لر به منطقه یونان و بلغارستان رفتند یا کوچانده شدند. بازمانده‌های مهاجران یادشده اکنون در چندین روستای بلغارستان زندگی می‌کنند که به نام خود آنان خوانده می‌شود («Bulgaristan'daki Türk Köyleri,» <https://mobile.donanimhaber.com/bulgaristan-daki-turk-koyleri-gecmisinizi-bilin-35994386> [accessed 1/23/2017]:

نام روستا	نام روستا به زبان بلغارستانی	استان
Köseler	Brusevts	Hasköy
Köseler	Kösevo	Kırca Ali
Köseler	Kösevtsi	E.Cuma
Köseler	Pçelino	H.O.Pazarçık
Köseler	Peniovo	Kırca Ali
Köseler	Telerig	H.O.Pazarçık
Köseler	Zvegor	Şumnu

در سال ۱۹۲۳م، با امضای قرارداد لوزان، پروتکلی هم بین ترکیه و یونان به امضا رسید که بنا بر آن، ترکان ساکن در یونان و یونانیان ساکن در ترکیه می‌بایست مبادله می‌شدند. از جماعات مبادله‌شده، که کار اسکانشان از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۰ به درازا کشید، برخی‌شان از روستاهای کوسه‌لر کارافریا^۵ — به یونانی: وریا^۶ — در یونان بودند که به خاصاکوی نیغده در ترکیه کوچانده شدند (Özkan 2010: 146. Quoting (from: Hasaköy, Nüfus Kayıt Defteri, Niğde İl Nüfus ve Vatandaşlık Müdürlüğü Arşivi

1. Çalalar

2. Ussalar

3. Cellekeler

4. Guşçular

5. Karaferye

6. Veria

در مناطق امروزی ترکیه نیز، روستاهای بسیاری با نام «کوسه‌لر» وجود دارد که حاکی از تداوم حیات جماعت کوسه‌لر در آن مناطق است. جدول زیر مشخصات این روستاها را دربردارد.

ردیف	نام روستا	نام شهر	نام استان
۱	کوسه‌لر	آزینه	چاناق‌قلعه
۲	کوسه‌لر	بایرامیچ (ائوجیلر بوجاقی)	چاناق‌قلعه
۳	کوسه‌لر	قینیق	ازمیر
۴	کوسه‌لر	اوده‌میش	ازمیر
۵	کوسه‌لر	مرکز	بالیکیسیر
۶	کوسه‌لر	بیگادیچ (باغجیلار بوجاقی)	بالیکیسیر
۷	کوسه‌لر	گوردس	مانیسا
۸	کوسه‌لر	اٹشمه	اوشاق
۹	کوسه‌لر	اولوبی	اوشاق
۱۰	کوسه‌لر	سیماو (داغاردی بوجاقی)	کوتاهیه
۱۱	کوسه‌لر	تاوشانلی	کوتاهیه
۱۲	کوسه‌لر	دیلوووسی (مُلا فناری بوجاقی)	قوجالئی
۱۳	کوسه‌لر	قورقوتلی	آنتالیا
۱۴	کوسه‌لر	ماه قارااؤز- آقسو	آنتالیا
۱۵	کوسه‌لر	ماه آزغلی	زونگول‌داغ
۱۶	کوسه‌لر	ییغیلجا	دوزجه
۱۷	کوسه‌لر	قیبریسجیق	بلو
۱۸	کوسه‌لر	پولاتلی (ینی محمّدی بوجاقی) مسکن کردان- عشیره جانبگ	آنکارا
۱۹	کوسه‌لر	بی پازاری (قاراشار بوجاقی)	آنکارا
۲۰	کوسه‌لر	پولاتلی (تملی بوجاقی)	آنکارا
۲۱	کوسه‌لر	حامام اوزو (گوموش بوجاقی)	آماسیه
۲۲	کوسه‌لر	دولی (باقیر داغی)	قیصری
۲۳	کوسه‌لر	نزیب	غازی عنتاب
۲۴	کوسه‌لر	سوروج	اورفا

ردیف	نام روستا	نام شهر	نام استان
۲۵	کوسه‌لر	کاهتا	آدی یامان
۲۶	کوسه‌لر	تیره‌بلو	گیره‌سون
۲۷	کوسه‌لر	اوواجیق	تونجه‌لی
۲۸	کوسه‌لر	چات	ارزروم
۲۹	کوسه‌لر	مرکز (ژئیتینلیگ بوجاقی)	آرتوین
۳۰	کوسه‌لر	پاتنوس (ساری سو بوجاقی)	آغری
۳۱	کوسه‌لر	دیگور	قارص

منبع:

“Köseler,” Index Anaticus. Türkiye Yerleşim Birimleri Envanteri.
<http://www.nisanyanmap.com> [Access date 10/12/2011].

همچنین، بنا بر راهنمای تلفن شهر استانبول، می‌توان از سکونت خانواده‌های بسیاری، با نام خانوادگی «کوسه‌لر»، در محلات گوناگون این شهر آگاهی به‌دست آورد؛ از جمله فاتح، بایرام‌پاشا، زیتون بورنو، کوچوک‌کوی، باغجیلار، یدی کوله، آتی سالان، باغچه‌لی ائولر، مَرتَر، خوجا مصطفی پاشا، و قاضی عثمان پاشا^۱.

از نقاط جغرافیایی نام‌برده‌شده در فرهنگ *آبادی‌های ایران* نیز، چنین پیداست که در میان‌دوآب، سه روستا (با عرض و طول جغرافیایی ۳۷،۰۲-۴۶،۰۳) و در زنجان، یک روستا (با عرض و طول جغرافیایی ۳۶،۳۰-۴۸،۲۱) با نام «کوسه‌لر» وجود دارد (پاپلی یزدی ۱۳۶۷: ۴۶۸). مردوخ کردستانی از وجود قریب چهل خانوار از «عشایر کوسه‌ای» در نواحی سقز و سیاه‌کوه خبر داده است (مردوخ کردستانی [بی‌تا]: ۱۰۶). با توجه به اسناد مالیاتی ایل شاهسون بغدادی، که مأمورانش برای گردآوری مالیات جماعت کوسه‌لر به نواحی یادشده می‌رفته‌اند، بعید نیست این خانوارها، در منطقه، به این نام شناخته شده باشند.

همان‌طور که گفته شد، کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی، در ایران، طایفه بزرگی است که بیش از نوزده تیره و نیز زیر تیره‌های متعددی دارد. در یکی از بایاتی‌های رایج در ایل، نام کوسه‌لر ماندگار شده است:

Bir qız sévdhim بیر قیز سئودیم کوسه‌لر
 Qoyunu sağar seseler قویونو ساغار سه‌سه‌لر
 Yar yadhına duşenne یار یادینا دوشه‌ننه

۱. نویسنده در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ در استانبول اقامت داشت و این آگاهی مربوط به آن زمان است.

Menim qelbim eseler مه‌نیم قه‌لبیم اسه‌لر

«به دختری از طایفه کوسه‌لر دل بستم/ دختری که) گوسفند می‌دوشد و (در همان حال) نغمه‌سرایی

می‌کند/ هنگامی که به یاد یار می‌افتم/ قلبم پر می‌کشد.» (حسنی: ۵۱)

۴ نتیجه

مطالعه فرایندی هویت‌یابی مکانی طایفه کوسه‌لر به دریافت این معلومات منجر شد که اینان جمعیتی عشایری بوده‌اند که با پیشینه‌ای چندصد ساله زندگی در مناطق بسیاری، از ترکستان تا بالکان، را تجربه کرده و بنا بر اقتضات اجتماعی و سیاسی در مجاورت جمعیت‌های بسیار عشایری و روستایی قرار گرفته‌اند و به بسیاری از آنها پیوسته و با تن دادن به مهاجرت‌های بسیار اجباری یا خودخواسته، سکونت در سرزمین‌های مختلف و همراه با جمعیت‌های مختلف را تجربه کرده‌اند. آخرین زیستگاه اینان در نواحی مرکزی ایران - در مناطق ساوه، قم، تهران، ورامین، شهریار - و به عنوان یکی از طوایف بزرگ و پرجمعیت اتحادیه ایل شاهسون بغدادی است که شیعه‌مذهب و ترک‌زبانند و همسانی لهجه‌ای بسیار با ترکمانان کرکوک با لهجه معروف به (Y) دارند.

منابع

- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۷)، فرهنگ آبادی‌های کشور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسنی، عطاءالله (۱۳۸۱)، تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی، تهران، ایل شاهسون بغدادی.
- خواجه نظام‌الملک طوسی (۱۳۶۴)، سیرالملوک: سیاست‌نامه، چاپ دوم، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، علمی و فرهنگی.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد [بی‌تا]، تاریخ کرد و کردستان و توابع، سنندج، کتاب‌فروشی غریقی.

Beldiceanu-Steinherr, Irene (1991), "Atçeken", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Encyclopedisi*, Cilt 4, Istanbul: Türkiye Diyanet Vakfı, S. 48-49.

Beyoğlu, Ağacan (Ağa Niyazi Begliyev) (2000), *Türkmen Boylarının Tarih ve Etnografyası*, İstanbul: Mor Ajans.

"Bulgaristan'daki Türk Köyleri", <https://mobile.donanimhaber.com/bulgaristan-daki->

- turk-koyleri-gecmisinizi-bilin--35994386[accessed 1/23/2017].
- DEVLET ARŞİVLERİ GENEL MÜDÜRLÜĞÜ (2007), *Muhasebe-I Vilayet-I Rum, NO 367& İcmal, NO 114, 390, 101 (920-937) 1514-1530*. I. Ankara.
- ESİN, Necmettin (1999), "İrak Türkleri," *Türk Dünyası El Kitabı*, S. 1125.
- FORSYTH, James (1998), *A History of the Peoples of Siberia: Russia's North Asian Colony 1581-1990*, 4th Reprinted, New York: The Cambridge University Press.
- HALAÇOĞLU, Yusuf (1991), *XVIII. Yüzyılda Osmanlı İmparatorluğu'nun İskan Siyaseti ve Aşiretlerin Yerleştirilmesi*, 2. Baskı. Ankara: Türk Tarih Kurumu Basımevi.
- "Köseler," Index Anaticus. Türkiye Yerleşim Birimleri Envanteri. <http://www.nisanyanmap.com> [Access date 10/12/2011].
- McMULLEN, Ronald. "Tuva: Russia's Tibet or the Next Lithuania?" <http://www.fotuva.org/misc/mcmullen.html>[1/24/2017].
- ÖZKAN, Salih (2010), *Milli Devlet Olma Sürecinde Mübadele ve Niğde'ye Yapılan İskan*, Konya: Kökem Yayınları.
- SAKIN, Orhan (2010), *16. Yy. Osmanlı Arşiv Kayıtlarına Göre Anadolu'da Türkmenler ve Yörükler*, İstanbul: Ekim.
- SARIKÖSE, Barış (2009), *Sille: Bin Yıllık Birliktelik, Tarihçesi ve Sosyo-economik Yapısı*, Konya: Çizgi Kitapevi.
- SERİOĞLU, Midhat (1986), *Osmanlı Tarih Lugatı*, İstanbul: Enderun Kitabevi.
- ÖZTÜRKMEN, Ali; DUMAN, Bilgay; ORHAN, Oytun (2011), "Suriye'de Değişiminin Ortaya Çıkardığı Toplum: Suriye Türkmenleri", ORSAM-Ortadoğu Türkmenleri Programı Rapor No: 14, s. 6 in Fatih Kirişcioğlu, "Suriye Türkleri", Avrasya Dosyası, Cilt 2, Sayı 3, Ankara, Sonbahar 1995.
- SÜMER, Faruk (1992), *Oğuzlar (Türkmenler): Tarihleri, Boy Teşkilatı, Destanları*, İstanbul: Türk Dünyası Araştırmaları Vakfı.
- ŞAHİN, İlhan (2006), *Osmanlı Döneminde Konar-Göçerler*, İstanbul: Eren.
- TÜRKAY, Cevdet (1979), *Basbakanlik Arsivi Belgelerine göre Osmanli İmparatorlugunda Oymak, Asiret, ve Cemaatlar*, İstanbul: Tercuman.
- YİĞİT, İlker (2018), "Konar-Göçer bir Topluluğun Son Durağı Antalya: Köşeler Cemaati Örneği (XIX. Yüzyıl-Günümüz)", *Antalya Kitabı: Selçukludan Cumhuriyet'e Sosyal Bilimlerde Antalya*, 1. Antalya: Büyükşehir Belediyesi, S. 1026-1040.
- YÜKSEL, Ayhan (2002), *Giresun Tarihi Yazıları*, İstanbul: Kitabevi.